

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

رساله دکتری رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

بررسی فلسفی مسئله ذهن در علوم شناختی براساس فلسفه صدرایی

اساتید راهنما:

دکتر حبیب الله دانش شهرکی

دکتر زهرا خزاعی

استاد مشاور:

دکتر مهدی ذاکری

نگارنده:

آرمین منصوری

شهریور/۱۴۰۱



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه قم



تاریخ: ۱۴۰۱/۷/۱۹
شماره: ۱۰۴۴۷-د-ا
پیوست: ۱۵ برگ

« صورت جلسه دفاع از رساله دکتری تخصصی »

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جلسه دفاعیه رساله جناب آقای آرمین منصوری به شماره دانشجویی ۹۸۱۵۰۶۴۰۰۵ دوره روزانه

رشته فلسفه و کلام اسلامی

تحت عنوان بررسی فلسفی مسئله ذهن در علوم شناختی بر اساس فلسفه صدرایی

با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۷ تشکیل گردید در این جلسه رساله مذکور با موفقیت مورد

دفاع قرار گرفت ☒ قرار نگرفت ☐ و نامبرده نمره باعده ۱۹/۵

با حروف با درجه عالی ☒ خیلی خوب ☒ خوب ☐ متوسط ☐ مردود ☐ دریافت نمود.

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	اعضاء
حبیب الله دانش شهرکی	استاد راهنما	دانشیار	
زهرا خزاعی	استاد راهنما دوم	استاد	
مهدی ذاکری	استاد مشاور	دانشیار	
سید احمد فاضلی	استاد ناظر	استادیار	
حمیدرضا شریعتمداری	استاد ناظر خارجی	دانشیار	
نفسه ساطع	ناظر رساله و نماینده تحصیلات تکمیلی	دانشیار	

مدیر خدمات آموزشی

نام و امضاء

معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده

نام و امضاء

نشانی:

ق.م. جاده لایم اصفهان

دانشگاه قم

کد پستی ۳۷۱۶۱۴۶۸۱۱

تلفن ۳۲۸۵۳۳۱۱

دورنویس

معاونت آموزش ۳۲۸۵۵۶۸۴

معاونت اداری ۳۲۸۵۵۶۸۴

معاونت دانشجویی ۳۲۸۵۵۶۸۸

لوحه‌های نامه رساله بر اساس این نامه دکتری شرح زیر انجام می‌شود:

* مردود کمتر از ۱۲

* خوب ۱۲ تا ۱۴

* خیلی خوب ۱۴ تا ۱۸

* عالی ۱۸ تا ۲۰



تاریخ:

شماره:

پیوست:

مدیریت تحصیلات تکمیلی
« تعهد نامه اصالت رساله دکتری »

اینجانب آقای آرمین منصوری دانشجوی مقطع دکتری تخصصی (ناپیوسته) به شماره دانشجویی ۹۸۱۵۰۶۴۰۰۵ در رشته فلسفه و کلام اسلامی که در تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۷ از رساله خود عنوان بررسی فلسفی مسئله ذهن در علوم شناختی بر اساس فلسفه صدرایی با کسب نمره با درجه عالی دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

(۱) این پایان نامه/رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و.....) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوط ذکر و درج کرده ام.

(۲) این پایان نامه/رساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

(۳) چنانچه بعد از فراغت تحصیل قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و از این پایان نامه/رساله داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

(۴) چنانچه در هر مقطعی زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیریم و دانشگاه قم مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

آرمین منصوری

تاریخ و امضاء

۱۴۰۱/۰۶/۲۷

گواهی امضاء:

صحت امضای دانشجو مورد تایید میباشد.

ناظر رساله و نماینده تحصیلات تکمیلی

نقیسه ساطع

تاریخ و امضاء

نشانی:

قم، جاده قدیم اصفهان،

دانشگاه قم

کدپستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱

تلفن: ۳۲۸۵۳۳۱۱

دورنویس:

معاونت آموزشی ۳۲۸۵۵۶۸۴

معاونت اداری ۳۲۸۵۵۶۸۶

معاونت دانشجویی ۳۲۸۵۵۶۸۸

تقدیم به

مولای عاشقان، امیرالمؤمنین علی (ع)

و

امام الاولیاء، حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه)

و

تقدیم به دویار و سرور همیشه همراه، پدر و مادر گرامی تقدیم...

ث

سپاس

از زحمات و هدایت های اساتید گرامتدر جناب آقای دکتر حبیب الله دانش شهری و سرکار خانم دکتر خزاعی که در کنار راهنمایی های فراوان علمی و پژوهشی، درس اخلاق و تواضع به بنده دادند و نیز مزاحمت های گاه و بیگاهم را تحمل فرموده و در این مسیر، بنمودهایشان را دریغ نمی نمودند؛ کمال تشکر و قدردانی را دارم.

همچنین از زحمات بسیار استاد بزرگوار جناب آقای دکتر مهدی ذاکری بابت در اختیار قرار دادن تجربیات با ارزششان نهایت امتنان را دارم.

چکیده:

بررسی هستی و چیستی ذهن، قدم ابتدایی و اصلی در بررسی مسائلی است که پیرامون ذهن می‌توانند مورد توجه قرار گیرند. پاسخ‌گویی به این مسئله به‌عنوان موضوع و بستر علوم‌شناختی، جهت‌گیری و روش مطالعه ذهن را در حیطه‌های مختلف علوم‌شناختی مشخص می‌کند. در این نوشتار، مفهوم ذهن و جایگاه آن در نظام فلسفه‌صدرایی مورد بررسی قرار گرفته و سپس بر محور آن، نظریات مطرح در فلسفه‌ذهن‌غرب و تاثیرات آن‌ها در علوم‌شناختی ارزیابی می‌شود و در مواردی که ممکن است، پیشنهادی برای اصلاح یا تکمیل آن‌ها براساس فلسفه‌صدرایی ارائه می‌گردد. روش پژوهش در بخشی از پژوهش برهانی و تحلیلی و در ادامه تطبیقی ارزیابانه می‌باشد. نتایج به دست آمده گویای آن هستند که ذهن در فلسفه‌صدرایی مساوی با مرتبه مثالی نفس انسانی؛ یعنی نفس ناطقه (مجرد مثالی نطقی) با تفسیر صدرایی است. گویی به یک موجود با دو مفهوم و لفظ نفس ناطقه و ذهن اشاره می‌شود. با این تفاوت که زمان استفاده از مفهوم ذهن حیثیت شناختی بیشتر مدنظر است؛ اما نه حیثیت شناختی صرفاً حصولی. همچنین ارزیابی‌های صورت گرفته به صورت کلی نشان می‌دهند که نقص در هستی‌شناسی، عدم‌توجه به ارتباط تشکیکی میان عوالم وجودی، عدم احصاء عالم شبه‌فیزیکی در کنار عالم فیزیکی و غیرفیزیکی نقایص دوگانه‌انگاری جوهری‌اند. عدم‌قدرت توجیه بسیاری از حالات ذهنی، عدم‌لحاظ تفاوت خصیصه‌های میان پدیده‌های ذهنی و پدیده‌های فیزیکی، تحلیل تمام حالات ذهنی با یک‌شیوه و مصادره‌به‌مطلوب، نقاط ضعف این‌همانی‌اند. ایرادات کارکردگرایی عبارت‌انداز؛ عدم تفکیک میان کارکردهای حیاتی انسانی و غیرحیاتی، اعتقاد به پیش‌فرض انحصار جواهر در سطح فیزیکی بدون مبرهن ساختن آن، توجه‌نداشتن به تفاوت زیربنایی موجود زیستی و موجود غیرزیستی، لحاظ کارکرد به‌عنوان تمام ماهیت پدیده. عدم‌توجه به سنخیت هستی‌شناسانه جوهر و ویژگی آن جوهر و ناتوانی در توجیه چگونگی ابتدای ویژگی غیرفیزیکی بر جوهر فیزیکی، نقایص عمده دوگانه‌انگاری ویژگی و ناتوانی در توجیه چگونگی وابستگی امرنوخاسته به سطح‌پایه، عدم‌توجه به سنخیت هستی‌شناسانه جوهر و ویژگی آن جوهر در نوخاسته‌گرایی ویژگی و علت دانستن جوهر پایه برای جوهر نوخاسته در نوخاسته‌گرایی جوهری، نقاط ضعف اصلی نوخاسته‌گرایی هستند.

کلمات کلیدی: ذهن، نفس، علوم‌شناختی، فلسفه‌صدرایی، فلسفه‌ذهن

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	
الف) بیان مسئله	۲
ب) ضرورت و اهمیت پژوهش	۸
ج) پیشینه پژوهش	۱۱
د) پرسش‌های پژوهش	۱۶
ه) فرضیه‌های پژوهش	۱۶
و) روش پژوهش	۱۸
ز) نوآوری پژوهش	۱۸
ح) ساختار رساله	۱۹

فصل اول: مفاهیم و کلیات

۱-۱. سیر تاریخی بحث	۲۲
۲-۱. چگونگی جای‌گزینی ذهن به‌جای نفس	۲۴
۳-۱. تعریف مفاهیم و اصطلاحات	۲۷
۱-۳-۱. نفس	۲۷
۲-۳-۱. ذهن	۲۸
۳-۳-۱. حالات ذهنی	۲۸
۴-۳-۱. حالت‌های کیفی	۲۸
۵-۳-۱. حالت‌های گزاره‌ای (گرایش‌های گزاره‌ای)	۲۹
۶-۳-۱. آگاهی‌پدیداری	۲۹
۷-۳-۱. تجردمثالی	۳۰

- ۸-۳-۱. وقوع تبعی ۳۰
- ۹-۳-۱. امر نخواستہ (نوظہور) ۳۱
- ۱۰-۳-۱. فلسفہ ذہن ۳۱
- ۴-۱. مختصری درباره علوم‌شناختی و جایگاه فلسفہ در آن ۳۱
- ۵-۱. مروری بر دیدگاه‌های فلسفہ ذہن ۳۸
- ۱-۵-۱. دوگانہ انگاری جوہری ۳۸
- ۲-۵-۱. رفتارگرایی ۳۸
- ۳-۵-۱. این‌همانی ۳۹
- ۴-۵-۱. کارکردگرایی ۳۹
- ۵-۵-۱. دوگانہ انگاری‌ویژگی‌ها ۳۹
- ۶-۵-۱. نخواستہ‌گرایی ۴۰
- ۶-۱. نفس در فلسفہ اسلامی ۴۰
- ۱-۶-۱. اثبات وجود نفس ۴۶
- ۲-۶-۱. اثبات تجرد نفس ۴۹
- ۷-۱. ذہن در نگاہ فلاسفہ پیش از ملاصدرا ۵۳

فصل دوم: ذہن در نظام فلسفہ‌صدرایی

- مقدمہ ۵۷
- ۱-۲. نفس ۵۹
- ۱-۱-۲. جوہر یا عرض‌بودن نفس ۵۹
- ۲-۱-۲. معنای تجرد در نگاہ صدرایی ۶۲
- ۳-۱-۲. تجردمثالی نفس ۶۳
- ۱-۳-۱-۲. براہین جسمانی‌بودن قوہ خیال و رد آن‌ها ۶۵

۷۰	۲-۱-۳. اثبات تجردمثالی نفس
۷۵	۲-۱-۴. انواع نفس
۷۶	۲-۱-۴.۱. نفس مرتبه نباتی
۷۸	۲-۱-۴.۲. نفس مرتبه حیوانی
۸۲	۲-۱-۴.۳. نفس انسانی
۸۴	۲-۱-۵. نفس ناطقه انسان، تجردعقلی و تجردمثالی
۸۶	۲-۱-۶. قوای نفس ناطقه
۹۷	۲-۱-۷. حرکت جوهری اشتدادی نفس
۱۰۰	۲-۱-۸. حدوث و بقای نفس
۱۰۱	۲-۱-۸.۱. حدوث جسمانی نفس
۱۱۱	۲-۱-۸.۲. بقای مجرد نفس
۱۱۴	۲-۱-۹. حقیقت قوا و نسبت میان قوا و نفس (مراتب بودن قوا برای نفس)
۱۱۹	۲-۱-۱۰. نفس و بدن
۱۲۷	۲-۱-۱۱. عملکردهای نفس
۱۲۸	۲-۱-۱۱.۱. شناخت فرامفهومی
۱۲۸	۲-۱-۱۱.۲. شناخت مفهومی کلی
۱۲۸	۲-۱-۱۱.۳. شناخت حسی
۱۲۹	۲-۱-۱۱.۴. عملکردهای خُلقی - عاطفی (روانی)
۱۳۱	۲-۲. ذهن
۱۳۲	۲-۲-۱. وجود ذهنی و وجود در ذهن (موجود ذهنی و موجود در ذهن)
۱۳۶	۲-۲-۲. تعریف ذهن
۱۳۹	۲-۲-۳. کارکردهای منتسب به ذهن

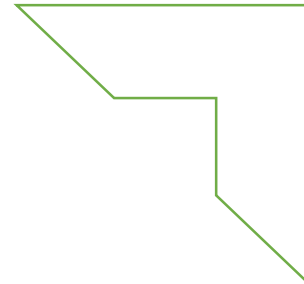
۱۳۹	۲-۳-۱. شناخت حسی
۱۴۰	۲-۳-۲. شناخت مفهومی و فرآیندهای فکری
۱۴۱	۲-۳-۳. صفات خلقی- عاطفی (روانی)
۱۴۵	۲-۴. اثبات وجود ذهن و جوهریت آن
۱۵۰	۲-۵. تجردمثالی ذهن
۱۵۶	۲-۶. گستره ذهن در فلسفه صدرایی
۱۵۷	۲-۳. نسبت میان نفس و ذهن
۱۶۱	۲-۴. نتیجه‌گیری فصل؛ شاخصه‌های دیدگاه صدرایی در رابطه با ذهن
فصل سوم: ارزیابی دیدگاه‌های دوگانه‌انگار فلسفه ذهن بر اساس فلسفه صدرایی	
۱۶۷	مقدمه
۱۶۸	۳-۱. دوگانه‌انگاری جوهری
۱۶۸	۳-۱-۱. ذهن در دوگانه‌انگاری جوهری
۱۸۱	۳-۱-۲. دوگانه‌انگاری جوهری و علوم‌شناختی
۱۸۲	۳-۲. دوگانه‌انگاری ویژگی‌ها
۱۸۳	۳-۲-۱. ذهن در دوگانه‌انگاری ویژگی‌ها
۱۸۵	۳-۲-۲. انواع دوگانه‌انگاری ویژگی‌ها
۱۸۵	۳-۲-۲-۱. پی‌پدیدارگرایی (شبه‌پدیدارگرایی)
۱۸۶	۳-۲-۲-۲. دوگانه‌انگاری طبیعی (دوگانه‌انگاری بنیادین)
۱۸۹	۳-۲-۳. دوگانه‌انگاری ویژگی‌ها و علوم‌شناختی
۱۹۳	۳-۳. نخواست‌گرایی یا نوظهورگرایی
۱۹۸	۳-۳-۱. ذهن در انواع نخواست‌گرایی
۱۹۹	۳-۳-۱-۱. ذهن در نخواست‌گرایی ویژگی‌ها

۲۰۰	۳-۱-۲. ذهن در نخواستہ‌گرایی جوهری
۲۰۲	۳-۳-۲. نخواستہ‌گرایی و علوم‌شناختی
۲۰۹	۳-۴. ارزیابی دیدگاه‌های دوگانه‌انگار فلسفه‌ذهن بر اساس فلسفه‌صدرایی
۲۰۹	۳-۴-۱. ارزیابی دوگانه‌انگاری جوهری و بن‌بست مطالعه علمی ذهن
۲۱۱	۳-۴-۲. ارزیابی دوگانه‌انگاری ویژگی‌ها و لحاظ آگاهی به‌عنوان شاخصه ذهن
۲۱۵	۳-۴-۳. ارزیابی نخواستہ‌گرایی و رویکردهای نوپدید به ذهن
۲۱۹	نتیجہ‌گیری فصل

فصل چهارم: ارزیابی دیدگاه‌های فیزیکیالیستی فلسفه‌ذهن بر اساس فلسفه‌صدرایی

۲۲۲	مقدمه
۲۲۳	۴-۱. رفتارگرایی
۲۲۶	۴-۱-۱. ذهن در رفتارگرایی
۲۳۱	۴-۱-۲. رفتارگرایی و علوم‌شناختی
۲۳۴	۴-۲. این‌همانی
۲۳۵	۴-۲-۱. ذهن در این‌همانی
۲۴۰	۴-۲-۲. انواع این‌همانی
۲۴۱	۴-۲-۲-۱. این‌همانی نوعی
۲۴۲	۴-۲-۲-۲. این‌همانی مصداقی (نمونه)
۲۴۶	۴-۲-۳. ماده‌گرایی حذفی
۲۴۶	۴-۲-۴. این‌همانی و علوم‌شناختی
۲۵۱	۴-۳. کارکردگرایی
۲۵۳	۴-۳-۱. ذهن در کارکردگرایی
۲۵۵	۴-۳-۲. کارکردگرایی و علوم‌شناختی

۴-۴. ارزیابی دیدگاه‌های فیزیکیالیستی فلسفه ذهن بر اساس فلسفه صدرایی	۲۶۱
۴-۴-۱. ارزیابی این‌همانی و نگاه مغزی-عصبی به ذهن	۲۶۱
۴-۴-۲. ارزیابی کارکردگرایی و نگاه محاسباتی به ذهن	۲۶۶
نتیجه‌گیری فصل	۲۷۰
نتیجه‌گیری	۲۷۲
پیشنهادهات	۲۷۷
فهرست منابع	۲۷۹



مقدمه

الف) بیان مسئله

مسئله ذهن و به تبع حالات، کیفیات، کارکردها، ویژگی‌ها و توانمندی‌های شگفت‌انگیز انسانی از دیرباز یکی از پرسش‌های اساسی بشر بوده‌است و با وجود تمام تلاش‌هایی که در طول سالیان در رابطه با پاسخ به این سوالات و استفاده‌های علمی از خروجی‌های آن‌ها صورت گرفته، تاکنون بسیاری از ابعاد این مسائل برای دانشمندان و اندیشمندان پنهان مانده‌است. در عین حال پژوهش‌های علمی انجام شده تا به امروز دستاوردهایی نیز داشته‌اند. اواسط قرن ۲۰ میلادی _ با توجه به ظهور یک رشته علمی ناظر به این مسائل _ را می‌توان نقطه عطف شروع فعالیت‌های اساسی و جدی علمی در این زمینه دانست. در این دوران رشته‌ای به نام علوم شناختی پایه‌گذاری شده که به صورت تخصصی وظیفه پرداخت به مباحث این‌چنینی را داشته‌است. علوم شناختی (علوم ذهن‌شناسی) مجموعه‌ای از چند علم مرتبط با ذهن است که به صورت میان‌رشته‌ای و با روش‌های میان‌رشته‌ای موضوع خود را ذهن قرار داده و به بررسی مسائل پیرامون آن می‌پردازند. علوم شناختی یک علم میان‌رشته‌ای بوده و از تعدادی علم شناختی تشکیل شده‌است. شش رشته اساسی در شکل‌گیری علوم شناختی موثرند که عبارت‌اند از: فلسفه، اعصاب‌شناسی، هوش مصنوعی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی و زبان‌شناسی.^۱

مسائل فراوانی پیرامون ذهن وجود دارند که در علوم شناختی می‌توانند با روش‌های مختلف فلسفی، علمی و... مورد توجه قرار گیرند؛ اما در میان تمام این مسائل، یک مسئله وجود دارد که در حقیقت مسئله بنیادین برای علوم شناختی محسوب می‌شود و مسئله مورد توجه در این پژوهش است. در صورتی که نظریه‌ای دقیق و مطابق با واقع در خصوص آن ارائه شود، چون حل و فصل مسائل فرعی بعدی و نیز بهره‌برداری‌های کاربردی همگی باید مبتنی بر آن باشند، روندی صحیح برای سایر پژوهش‌های علوم شناختی رقم خواهد خورد. این مسئله حیاتی برای علوم شناختی، بررسی سرمنشأ اصلی و موضوع علوم شناختی؛ یعنی خود ذهن و نحوه هستی و ماهیت آن است. مسئله ذهن و در

۱- پاول تاگارد، ذهن در آمدی بر علوم شناختی، (ترجمه: رامین گلشائی، تهران: سمت و پژوهشکده علوم شناختی، ۱۳۹۸)، ص ۱۹

ضمن آن نسبت میان ذهن و بدن، پایه‌ای‌ترین و بنیادی‌ترین مسئله برای علوم‌شناختی می‌باشد که باقی مسائل علوم‌شناختی مبتنی‌برآن و به‌عنوان فروعاتی برای آن شکل‌می‌گیرند. در میان زیرشاخه‌های علوم‌شناختی، سهم بسیار زیادی از پاسخ به این مسئله برعهده روش فلسفی گذاشته‌شده‌است. این مسئله که آیا ذهن وجود دارد؟ اگر وجود دارد چیست چه نحوه‌ای از وجود را واجد است؟ جوهری جدای از مغز است؟ یا اینکه ذهن همان مغز است؟ اصلاً جوهر است یا جوهر نیست؟ و... عمدتاً با روش فلسفی پاسخ‌هایی در قبال آن‌ها داده‌شده‌است. تاثیر حل این مسئله در علوم‌شناختی بسیار اساسیست و درواقع نتیجه این مسئله مشخص می‌کند که آیا برای تتبع در تمام حالات و کارکردهای انسان و نیز مدل‌سازی از کارایی‌های او، مداخله‌های شناختی، مداخله‌های درمانی، بهره‌برداری‌های تکنولوژیک در هوش مصنوعی و... باید صرفاً به‌دنبال مطالعه مغز و سیستم اعصاب او بود یا نه برای به‌دست‌آوردن اطلاعات دقیق از انسان علاوه‌بر مغز قابل حس فیزیکی او، موردی غیرفیزیکی را نیز باید با روش‌هایی غیر از روش‌های تجربی (تجربه به معنای تجربه حسی خارجی نه به معنای تجربه حسی درونی) مطالعه کرد؟ و اگر باید چنین مطالعه‌ای انجام داد، در چه سطحی باید باشد و با چه درجه اهمیتی؟

پس نقش و نظر فلسفه در رابطه با خود ذهن بنیادین بوده و درواقع جهت‌دهنده پژوهش‌های بعدی است و در صورتی که یافته‌های صحیحی در خصوص این مسئله پایه - که عمدتاً هم باید از کانال فلسفه (با لحاظ مقدمات تجربی قطعی) باشد - به‌دست‌آید، ریل‌گذاری صحیحی برای سایر مسائل فلسفی و علمی و در نهایت سایر رشته‌های علوم‌شناختی صورت‌می‌گیرد و بهره‌وری پژوهش‌های بعدی را تضمین می‌کند. در این نوشتار با توجه به رسالت فلسفی آن، صرفاً مباحث فلسفی علوم‌شناختی که تحت‌تاثیر مستقیم دستاوردهای تجربی هستند، تحت‌عنوان فلسفه‌ذهن بررسی خواهند شد و قصد بر این نیست که به مباحث علوم‌اعصاب، روانشناسی و... پرداخته شود.

در رویکردهای فلسفی غربی که نسبت به مسئله ذهن در علوم‌شناختی مطرح‌است، چند نگاه عمده و اصلی قابل‌پیگیری می‌باشد. اولین دیدگاه بیان می‌کند که ذهن وجود دارد و غیر از بدن است. قائلین به این دیدگاه یا ماهیت آن را جوهری غیر از بدن/مغز بیان می‌کنند (دوگانه‌نگاری جوهری) یا ماهیت آن را ویژگی معرفی می‌کنند که غیر از ویژگی بدن/مغز ولی حاصل از آن است (دوگانه‌نگاری در ویژگی‌ها) یا قائل به این هستند که ذهن ظهوری جدید از بدن پیدا کرده‌است (نوخاسته‌گرایی).

دیدگاه دوم قائل است که ذهن وجودی غیر از بدن/مغز مادی ندارد (نگاه فیزیکیالیستی) و ماهیت آن نیز یا عیناً همان بدن/مغز است (این‌همانی) یا کارکرد بدن/مغز است (کارکردگرایی) یا رفتاری است که بدن/مغز انجام می‌دهد (رفتارگرایی). در نهایت دیدگاه سومی هم هست که کلاً ذهن را انکار می‌کنند و حذف‌گرایان لقب گرفته‌اند.

علوم‌شناختی کنونی بر مبنای بنیان فلسفی فیزیکیالیستی (در انحاء مختلف آن) روندی فیزیکیال درپیش گرفته‌است. خروجی حاصل از این بنیان‌های فلسفی یا به‌صورت اعصاب‌شناسی محض که پایه فلسفی آن نظریه این‌همانی است خود را نشان می‌دهد و انسان، ذهن و حالات ذهنی را در اعصاب و مغز او جست‌وجو می‌کنند یا پایه فلسفی کارکردگرایی را درپیش گرفته‌اند و به‌موجب آن، انسان را به‌مثابه ماشین محاسبه تلقی می‌کنند و نظریات محاسباتی ذهن در اشکال گوناگون آن را ارائه می‌کنند و علوم‌شناختی هم در این ریل حرکت می‌کنند یا در جدیدترین نظریات، تحت‌تأثیر نوخاسته‌گرایی ذهن و ویژگی‌های ذهنی، رویکردهایی مانند رویکرد بدنمند، توزیعی، سیستم‌های پویا و... را دنبال می‌کنند.

درطرف دیگر باید بررسی کرد که فلسفه‌صدرایی دراین‌میان چه جایگاهی می‌تواند داشته‌باشد. فلسفه‌صدرایی همانند تمامی دیدگاه‌های فلسفی با توجه به امتیازهای منحصر به فردی که دارد نقش بسیار اساسی و کلیدی در علوم‌شناختی - مخصوصاً با توجه به فضای بومی و نیازمندی‌های داخلی - می‌تواند ایفا کند.^۱ باید توجه نمود که ارائه نظر دقیق مستنبط از فلسفه‌صدرایی در پاسخ‌دهی به مسائل متنوع علوم‌شناختی هم، منوط و متکی به تبیین موشکافانه بنیادی‌ترین مسئله در علوم‌شناختی - یعنی خود ذهن - است که نقش اصلی را در آن، فلسفه بازی می‌کند. بعد از تبیین ذهن در فلسفه‌صدرایی در قدم بعدی باید ارزیابی‌ای از دیدگاه‌های مطرح در علوم‌شناختی/فلسفه ذهن براساس فلسفه‌صدرایی صورت‌گیرد تا اولین گام ورود فلسفه‌صدرایی به علوم‌شناختی؛ یعنی

۱- در قسمت‌های بعدی مباحث بیشتری در خصوص ضرورت و اهمیت ورود فلسفه‌صدرایی به میادین علمی - فلسفی جدید ارائه خواهد شد.

تبیین خود ذهن، به صورت همه جانبه و با توجه جدی به دیگر دیدگاه‌ها و نقاط قوت و ضعف آن‌ها صورت پذیرد.^۱

می‌توان انسان‌شناسی فلسفی را مرز میان فلسفه و سایر علوم (از جمله علوم‌شناختی) که فلسفه در آن نقش جدی ایفا می‌کند دانست؛ به عبارت دیگر چون انسان نقطه مشترک بسیاری از علوم، مخصوصاً علوم انسانی با فلسفه است؛ لذا نمود بیرونی فلسفه و مرز مشترک آن با سایر علوم که می‌تواند در بسیاری از حوزه‌های دیگر اثرات مستقیم داشته باشد، مسئله علم‌النفس است. انسان‌شناسی فلسفی در فلسفه اسلامی و به صورت خاص‌تر در فلسفه صدرایی هم یکی از اصلی‌ترین مسائل است تا جایی که اولین بار صدرالمতالهین بوده که مسئله نفس را از علوم طبیعی وارد متافیزیک کرده و بسیاری از ایرادات وارد بر نظریات قبلی در باب نفس را برطرف کرده است. حل و فصل مسائل مربوط به انسان از ابعاد وجودی او گرفته تا ماهیت او، نسبت او با جهان خارج، جهان پس از مرگ، خدا و... دلایل بسیار موجهی هستند که ملاصدرا از همان ابتدا به دنبال شناخت انسان، نفس و ابعاد درونی انسان باشد تا مبتنی بر آن، مسائل مربوط به انسان را پاسخ دهد. یکی از مسائل اصلی و کاربردی که اصول فلسفه صدرایی مانند اصالت وجود، تشکیک، حرکت جوهری و... توانسته است بسیاری از مشکلات وارد بر آن را برطرف کند، علم‌النفس است. صدرالمতالهین به صورت ویژه به خاطر نظریه جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء خود ضمن تایید وجود جوهری غیرفیزیکی، رابطه این جوهر غیرفیزیکی و بدن و اتحاد میان آن دو را به وسیله این نظریه تبیین کرده و از دوگانه‌انگاری دکارتی و حتی سینوی کاملاً فاصله گرفته است. به همین دلیل تبیین نظریه صدرا در رابطه با نفس و بدن توانایی حل بسیاری از اشکالات نظریات فیزیکالیستی بر نظریه دوگانه‌انگاری را دارد. در نگاه صدرا این بدن است که در حرکت جوهری اشتدادی خود مراتب وجودی را یکی پس از دیگری حائز می‌شود و با فعلیت پیدا کردن تمام استعدادهایی که بالقوه آن‌ها را داراست، به تدریج که تجردمثالی خود را واجد می‌شود، توانمندی‌ها و حالات فعالانه را در خود باز می‌یابد؛ در حالی که قبل از آن چنین حالتی در او بالفعل نبوده‌اند. از نظر صدرا تمامی انسان‌ها مگر تعداد انگشت‌شماری از آن‌ها در همین تجردمثالی

۱- در این رساله نگاه نگارنده در نحوه طرح مباحث و سطح هستی‌شناختی مطالب فلسفه صدرایی به دلایل موجهی که به نوع نگاه هستی‌شناسانه موجود در علوم‌شناختی کنونی بازمی‌گردد، به مباحث نهایی ملاصدرا نبوده و مطالب به گونه‌ای طرح شده‌اند که برای علوم‌شناختی کنونی قابل هضم باشند.

باقی می‌مانند و حالات و توانمندی‌هایی غیر از حالات مثالی در خود نمی‌یابند و حال آنکه با عبور از مرتبه مثالی و ورود به مرتبه عقل خویش، حالات و توانمندی‌های نامحدود دیگری را از خود می‌توانند ظهور دهند که برای انسان ذهنی و زندانی در محدوده ذهن قابل دستیابی نیست.

از طرف دیگر ذهن در فلسفه اسلامی و فلسفه صدرایی به مناسبت‌های مختلف و در موارد متعددی استفاده می‌شود؛ اما معمولاً توجه ویژه‌ای به خود مفهوم ذهن به عنوان یک مسئله در فلسفه اسلامی وجود نداشته است؛ بلکه به عنوان یک مسئله جنبی و در خلال مسائل دیگری همچون وجود ذهنی، حیثیت‌های شناختی نفس و... مباحثی در خصوص آن دیده می‌شود. با وجود اینکه در فلسفه اسلامی هیچ‌گاه خود ذهن در زمره مسائلی از مسائل فلسفه مطرح نشده و تنها وجود ذهنی به صورت یک مسئله مستقل محل بحث بوده؛ اما کاربرد خود لفظ و مفهوم ذهن در آثار فلاسفه ما بسیار به چشم می‌خورد و به هیچ وجه قابل اغماض نیست. فلاسفه ما در موارد مختلف و متعددی از مفهوم ذهن استفاده کرده و کارکردهایی را چه به صورت مستقیم چه غیرمستقیم به ذهن منتسب می‌کنند. به همین دلیل برای کشف چیستی مفهوم ذهن از نگاه فلسفه صدرایی، ناگزیریم مواردی که از این مفهوم استفاده کرده‌اند را یک به یک جست‌وجو و تحلیل کنیم.

باید به این نکته توجه داشت که وجود ذهنی (به عنوان مسئله‌ای که مفهوم ذهن در مطالب مربوط به آن فراوان استعمال شده است) اهمیت و اثربخشی به سزایی در فلسفه اسلامی دارد و اولین مسئله‌ای است که در فلسفه اسلامی و به تبع فلسفه صدرایی در ترتیب طرح مباحث فلسفی در رابطه با انسان بیشتر خود را نشان می‌دهد و در واقع نحوه وجود خارجی را در قبال درون انسان تبیین می‌کند و نقطه آغاز مسائل مربوط به ذهن، نفس و مراتب انسان در نسبت با هستی را نمایان گر می‌کند. در حقیقت اثبات وجود ذهنی و کیفیت آن است که نحوه‌ای از وجود را در جهان هستی توضیح می‌دهد که نقطه ارتباط انسان با جهان خارج است؛ اما با وجود این، در اغلب مواقع در برداشت‌هایی که از انسان‌شناسی فلسفی و علم النفس می‌شود - در عین حال که در آثار فلاسفه ما قابل ردیابی است - هیچ توجهی به وجود ذهنی و آثار آن در علم النفس نمی‌شود و در نتیجه این غفلت، همچنان نسبت میان وجود ذهنی، انسان و مراتب نفس مجهول باقی می‌ماند و نسبت میان ذهن با نفس به درستی تبیین نمی‌شود. این در حالی است که یکی از نقاط مشترک میان فلسفه با علوم دیگر همین مسئله ذهن در معنای عرفی آن است. وجود ذهنی با شیوه‌ای که در فلسفه صدرایی طرح شده در فلسفه ذهن